

توزیع فضایی و پهنه‌بندی فقر شهری بر پایه مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی

(مطالعه موردی: شهر میاندوآب)

شهریور روستایی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

خسرو رحمتی*

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

Kh.rahmati1987@gmail.com

عبداله شیخی

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر در وهله اول، با هدف کلی ارائه تحلیلی از فقر و توزیع فضایی آن بر اساس مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و در وهله بعد، با هدف پهنه‌بندی بلوک‌های فقیرنشین، خوشه‌بندی مکانی - فضایی گستره‌های فقر و مشخص کردن اهمیت مولفه‌های مورد استفاده در شناخت و سنجش فقر در بلوک‌های شهر میاندوآب به نگارش درآمده است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ ماهیت و روش، کمی - تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی کتابخانه‌ای و بر اساس داده‌های مأخوذ از اطلاعات بلوک‌های آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ بوده است. جامعه آماری پژوهش نیز، بلوک‌های مسکونی شهر میاندوآب در بازه زمانی ۱۳۹۰ بوده است. تحلیلهای پژوهش بر اساس ۳۰ شاخص در قالب سه مولفه اجتماعی (۹)، اقتصادی (۱۰) و کالبدی (۱۱) و با استفاده از نرم افزار ArcGIS و ابزارهای آمار فضایی، تحلیل لکه‌های داغ و آماره موران محلی با روی هم گذاری لایه‌ها در سیستم اطلاعات جغرافیایی به عنوان مدل، انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از میان ۳ مولفه مورد بررسی، مولفه "اجتماعی" برتری نسبی در پراکنش فضایی فقر دارد. توزیع فضایی - مکانی فقر و پهنه‌بندی آن در سطح بلوک‌های شهر براساس مولفه‌های تلفیقی نیز حاکی از آن است که از مجموع ۱۶۶۰ بلوک، ۴۲۹ بلوک خیلی فقیر (۲۶ درصد)، ۳۹۷ بلوک فقیر (۲۴ درصد)، ۳۶۴ بلوک متوسط (۲۲ درصد)، ۲۴۸ بلوک مرفه (۱۵ درصد) و ۲۲۴ بلوک نیز در سطح خیلی مرفه (۱۳ درصد) قرار دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی توزیع و اختلاف فضایی فقر در شهر میاندوآب، از الگوی "خوشه‌ای" پیروی می‌کند، به گونه‌ای که "بلوک-های فقیر به حاشیه‌ها" و "بلوک‌های برخوردار به مرکز" گرایش و تمایل شدیدتری دارند، وضعیتی که حاکی از وجود "فاصله طبقاتی و دوگانگی" در فضای شهر است.

واژگان کلیدی: فقر شهری، بلوک‌های شهری، توزیع فضایی، آمار فضایی، میاندوآب.

مقدمه

در نیم قرن اخیر، شهرنشینی مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده است (Qadeer, 2004:1) به گونه ای که طبق گزارش های مرکز سکونتگاه های انسانی ملل متحد (UN-HABITAT, 2003) در ۳۰ سال آینده، شهرها مهم ترین مراکز و کانون های رشد جمعیت جهان خواهند بود. این رشد شتابان شهرنشینی و ظهور شهرها، پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب های متعددی همراه شده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). به طوری که بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه با وظیفه مدیریت نرخ بی سابقه رشد جمعیت، مهاجرت های مرکزگرا، جدایی گزینی های مسکونی و اجتماعی، توزیع نامتعادل خدمات و امکانات مواجه شده و تاکنون نیز قادر به پی ریزی برنامه های مؤثر و کنترل مشکلات موجود نبوده و در واقع، با نوعی محرومیت و نرخ بالای فقر مواجه شده اند (شیخی، ۱۳۹۳: ۲۴). این پدیده (فقر) و نرخ رشد بالای آن، که زمانی مشخصه مناطق روستایی بود، امروزه هر چه بیشتر شهری شده است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۲)؛ در واقع، پدیده ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از نبود حداقل های نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می شود (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲) و در حقیقت، نتیجه نابرابری اجتماعی و اقتصادی بوده که به عنوان مشکل زمانی بروز می کند و ساختار فضایی نواحی مختلف شهر را دارای تضادهای بارز و آشکاری می نماید؛ نتیجتاً این تضادها باعث شکل گیری نابرابری در توزیع فضایی امکانات در سطح شهر شده و به نابرابری فضایی می انجامد. فضاهای نابرابر شهری نیز موجب می شوند تا فرصت های نابرابر در اختیار ساکنان نواحی مختلف قرار گیرد و این به توزیع نابرابر خدمات رفاهی، شکل گیری نواحی فرسوده و فقیرنشین و محرومیت در نواحی شهری منتهی می شود (رحمتی، ۱۳۹۳: ۲۰).

در حال حاضر این توافق وجود دارد که بعد تهدیدآمیز فقر متمرکز در شهرها از مهمترین مسائل در توسعه انسانی بوده (مجیدی خامنه و محمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) و چالشی است که برنامه ریزان و مدیران شهری با آن مواجه هستند. اهمیت این موضوع تا حدی است که سران کشورها طی دهه های گذشته، نگرانی ها و دغدغه های خود را نسبت به این موضوع در نشست های بین المللی متعدد نمایان ساخته اند (موسوی و زیاری، ۱۳۸۸: ۶). اهمیت این امر نشانگر آن است که تجزیه و تحلیل فقر، رشد و توزیع فضایی آن در جوامع شهری اهمیت فراوانی دارد؛ امری که نیازمند اتخاذ روش های علمی به ویژه در تعیین جغرافیایی پهنه های فقیرنشین شهری از طریق کاربرد روش های آماری و تعریف شاخص های مناسب جهت تعیین ابعاد متفاوت آن است. پهنه هایی که باز نمود فضایی - مکانی فقر هستند و در قالب شکل گیری و بسط گستره های فقر، بافت های فرسوده، بافت های ناکارآمد، اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی تبلور فضایی پیدا کرده اند (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). مطالعات اخیر نیز بر اهمیت متغیرهای جغرافیایی به عنوان

عوامل تعیین کننده فقر تأکید دارند و جایگاه ویژه‌ای به سیستم اطلاعات جغرافیایی در این گونه مطالعات داده‌اند (جوهری و همکاران، ۱۳۹۲:۱۳).

شهر میاندوآب به عنوان جزئی از سیستم منطقه‌ای و ملی، به دنبال رشد شتابان شهرنشینی و در پی مهاجرت‌های شدید روستایی، ادغام روستاهای حاشیه شهر به بافت و کالبد شهر (۶ روستا در ۲۰ سال گذشته)، مدیریت ناکارآمد و رشد بدون برنامه شهر، با فقر و نابرابری‌های شدید در نواحی شهری خود مواجه شده است. به طوری که ظهور محلات فقر، بافت‌های فرسوده و مشکلات حاد ساکنین از قبیل بیکاری، اشتغال کاذب، خشونت، ناامنی و مواردی از این قبیل گواهی بر این ادعاست، گواهی بر وجود پهنه‌هایی که کیفیت زندگی در آنها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی از شرایط مطلوبی برخوردار نیست. شناسایی و سنجش ابعاد معضلات به وجود آمده در بلوک‌های شهری میاندوآب نه تنها ضرورتی برای کاهش فقر و نابرابری، بلکه ضرورتی برخاسته از ارزش‌های انسانی است، امری که توجه بیشتر مدیران و برنامه‌ریزان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری را می‌طلبد. بر اساس آنچه بیان شد، پژوهش حاضر با هدف توزیع فضایی فقر در شهر میاندوآب به نگارش درآمده است و قصد دارد به شناسایی بلوک‌های فقیرنشین، خوشه‌بندی مکانی - فضایی گستره‌های فقر، مشخص ساختن میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش بپردازد.

اهمیت و ضرورت

بیکاری، اشتغال کاذب، خشونت، ناامنی و مواردی از این قبیل، همگی دال بر شرایط نامناسب محلات و پهنه‌های فقیرنشین شهرها و وجود شرایط نامطلوب در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی است. بهبود اوضاع این محلات جز با شناخت دقیق و منطقی شرایط حاکم بر این محلات و نوع قرارگیری آنها در سطوح شهر ممکن نیست، امری که اولین شرط حاکم بر مساله بهبود وضعیتی آنهاست. در همین راستا، اتخاذ روش‌های علمی در تعیین جغرافیایی پهنه‌های فقیرنشین شهری از طریق کاربرد و تعریف شاخص‌های مناسب جهت تعیین ابعاد متفاوت آن، با لحاظ اینکه اکنون اهمیت متغیرهای جغرافیایی (به عنوان عوامل تعیین کننده فقر) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در این گونه مطالعات بیش از پیش روشن شده است، امری ضروری است. بر همین منوال، پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی همین مساله در شهر میاندوآب بپردازد.

سؤالها

توزیع فضایی فقر در شهر میاندوآب بر اساس مولفه های سه گانه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی چگونه است؟

توزیع فقر در شهر میاندوآب از چه الگویی پیروی می کند؟

اهداف

هدف کلی

- نشان دادن توزیع فضایی فقر در شهر میاندوآب بر اساس مولفه های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی.

اهداف جزئی

- شناسایی بلوک های فقیرنشین در شهر میاندوآب.
- خوشه بندی مکانی - فضایی گستره های فقر در شهر میاندوآب.
- مشخص ساختن میزان اثرگذاری مؤلفه ها و شاخص های مورد استفاده در پژوهش.
- ارائه راهکارهای مناسب برای رفع تنگناهای موجود در زمینه فقر شهری.

پیشینه تحقیق

فقر و عوامل مربوط به آن در داخل کشور، به مراتب مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات داخلی در این زمینه طی سالهای متفاوتی صورت گرفته که در جدول ۱ چندین مورد از تحقیقات داخلی و نتایج آنها همراه با هدف کلی انجام پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

محقق/سال	عنوان	نتایج
پیرانی و شهسوار (۱۳۸۸)	بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس	در این پژوهش، وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس (۸۶-۱۳۷۴) بررسی شده است. بدین منظور خط فقر مطلق تعیین شده و سپس شاخصهای فقر مانند نسبت سرشمار، نسبت شکاف درآمدی، شدت فقر، شاخص سن و کاکوانی معرفی و برای مناطق شهری و روستایی استان محاسبه شده است. نتایج محاسبه این شاخصها نشان می دهد که میزان خط فقر مطلق سالانه خانوارها در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده و روند شاخصهای فقر در مناطق شهری و روستایی نشان دهنده روند نزولی فقر در این مناطق طی دوره مورد بررسی است.
محمدزاده و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور	در این پژوهش، خط فقر برآورد و شاخصهای اندازه گیری فقر محاسبه شده است. همچنین به بررسی عوامل تعیین کننده فقر در سطح خرد پرداخته شده و تأثیرپذیری احتمال وقوع فقر از خصوصیات و ویژگیهای خانوارها، با استفاده از مدل پروبیت در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان میدهد بیشترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری مربوط به تحصیلات سرپرست خانوار و جنسیت سرپرست خانوار می باشد. همچنین، سن سرپرست خانوار، نسبت تعداد افراد دارای درآمد در خانوار و بعد خانوار نیز در کاهش احتمال فقر خانوارها مؤثر

می باشند.		
در این پژوهش برای شناخت توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه از اطلاعات بلوکهای آماری سالهای ۸۵-۱۳۷۵ و نیز از ۳۳ شاخص در قالب ۴ عامل استفاده گردیده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که در شهر کرمانشاه سال ۱۳۷۵، ۴۶۱ بلوک یا ۱۰ درصد خیلی فقیر، ۶۴ بلوک یا ۱ درصد فقیر، ۲۸۵۴ بلوک یا ۸۰ درصد متوسط، ۲۶۶ بلوک یا ۶ درصد مرفه و ۱۲۱ بلوک یا ۳ درصد خیلی مرفه بوده اند. در سال ۱۳۸۵، ۱۶۸۷ بلوک یا ۲۱ درصد خیلی فقیر، ۱۷۴۴ بلوک یا ۲۲ درصد فقیر، ۲۳۹۲ بلوک یا ۲۹ درصد متوسط، ۱۶۵۳ بلوک یا ۲۰ درصد مرفه و ۶۱۲ بلوک یا ۸ درصد خیلی مرفه بوده است. نتایج نشان دهنده حرکت شهر به سمت قطبی شدن است.	روستایی و همکاران (۱۳۹۱)	
در این پژوهش از میان روشهای سنجش چند بعدی فقر، روش کاستا (۲۰۰۲) و از میان روشهای زمین آماری روش کریجینگ و کریجینگ همبسته جهت سنجش فقر چند بعدی در قالب ۷۰ شاخص اقتصادی و درآمدی، مسکن، مالکیت و دارایی، بهداشت و سلامت و دانش و مهارت استفاده شده است. از میان مدل‌های زمین آماری موجود، روش کروی و نمایی با نتایج تابع فازی فقر انطباق بیشتری داشته و از دقت بالاتری برخوردار بوده اند. نتایج در قالب پهنه بندی علمی صورت گرفته به وضوح نشان دهنده اختلاف فضایی فقر در محدوده شهر کامیاران است.	رویکرد فضایی و پهنه بندی فقر چند بعدی در فضاهای شهری (نمونه موردی: شهر کامیاران)	جواهری و همکاران (۱۳۹۳)
این پژوهش فقر در سطح شهر مهاباد و تأثیر آن بر شهر و مدیریت شهری را بررسی کرده است. نتایج نشان می دهد بخش عمده ای از ساکنین شهر مهاباد را اقشاری با وضعیت نامناسب اقتصادی تشکیل می دهد. یافته ها حاکی از آن است که معضل بیکاری در شهر، ظرفیتهای محدود تولیدی، ضعف پایه های اقتصادی شهر از جمله عواملی است که موجب توزیع ناموزون منابع و افزایش فقر در مهاباد گشته است.	تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)	عزیزی و همکاران (۱۳۹)
در این پژوهش، به کمک داده های بلوکهای آماری سال ۱۳۸۵ با محاسبه ۱۵ شاخص در قالب سه متغیر عمده اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، به شناخت و تحلیل توزیع فضایی فقر در محلات شهر یزد پرداخته است. برای دستیابی به هدف فوق، محلات شهری با استفاده از روشهای ویگور و آنتروپی شانون سطح بندی شده اند. نتایج حاصل نشان می دهد که ۱۲/۲ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ۱۹/۵ درصد فقیر، ۲۶/۸ درصد متوسط، ۳۶/۶ درصد مرفه هستند و فقط ۴/۹ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند.	شناسایی و ارزیابی گستره های فضایی فقر شهری در شهر یزد	رضایی و همکاران (۱۳۹۳)
جامعه آماری این پژوهش محله دولت آباد در حاشیه غربی و محله شاطر آباد در ضلع شرقی شهر کرمانشاه می باشد و برای این منظور، از اطلاعات بلوکهای آماری ۱۳۸۵ در قالب ۳۰ شاخص و ۳ عامل بهره گرفته شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بلوکهای شهر کرمانشاه مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. این سکونتگاههای غیررسمی جلوه گاه فقر به شمار می روند که از لحاظ پویایی روند متفاوتی را طی می کنند. وجود نواحی نابرابر در فضای شهر کرمانشاه به جدایی گزینی فضایی، اجتماعی و اقتصادی منجر گردیده است.	ارزیابی فقر شهری در محلات اسکان غیر رسمی شهر کرمانشاه با استفاده از مدل تحلیل عاملی (نمونه موردی: محله دولت آباد و شاطر آباد سال ۱۳۸۵)	روستایی و همکاران (۱۳۹۴)

مفاهیم و مبانی نظری

فقر به معنای درویش گردیدن، نداشتن، محتاج، بی چیزی، ناداری (فرهنگ دهخدا)؛ فقر به عنوان یک مفهوم نسبی که تنها می تواند بر حسب شرایط یک گروه از مردم با شرایط گروهی دیگر تعریف شود؛ فقر به معنای ناتوانی در تأمین حد کافی نیازهای اساسی انسان در سطح خانواده (زیاری، ۱۳۷۷: ۸۰) و فقر به معنای عدم برخوردارگی از حداقل امکانات معاش یا به تعبیری دیگر برخوردارگی از قوت لایموت و میزان درآمدی که در سطح امرار معاش باشد (آسایش، ۱۳۷۴: ۸۵). بی شک تعریفی از فقر که در بردارنده مفهومی فراگیر برای تمامی شرایط باشد و در طول زمان ثابت بماند، امکان پذیر نیست؛ زیرا فقر مفهومی نسبی است که با شرایط زمانی و مکانی تعریف می شود (مجیدی خامنه و محمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). در واقع، مفهومی چند بعدی بوده و تعریف آن فراتر از محرومیت غذایی است (Job, 2002: 1). فقر، فقر محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصتهای برابر است (Odekon, 2010: 2) و در چندین جنبه از زندگی روزمره از قبیل درآمد کم، گرسنگی، زندگی در شرایط ناسالم، دسترسی

ناکافی به خدمات اولیه، آسیب پذیری، محرومیت اجتماعی، سیاسی، حق رأی، ناامنی و ... تجلی یافته است (1: Simler et al, 2003). در تعریف فقر منابع مختلف را اینگونه می توان طبقه بندی کرد، تعاریفی که از سوی سازمانهای بین المللی و ملی صورت می گیرد مانند: بانک جهانی یا برنامه توسعه سازمان ملل^۱ یا مراکز آماری هر کشوری، عده ای نیز از سوی بنیادهای تخصصی فقرشناسی مانند بنیاد روانتری، مواردی نیز نظرات کارشناسان است که می توان آن را تعاریف آکادمیک نامید. برنامه توسعه سازمان ملل، فقر را در کیفیت زندگی تعریف کرده است و برای آن سه شاخص اندازه کافی درآمد، بهداشت و آموزش را برمی شمارد (16: Pl Uzhoujie, 2003). در گزارش توسعه جهانی بانک جهانی نیز در رابطه با فقر (۲۰۰۲-۲۰۰۱)، فقر چیزی فراتر از نابرابری درآمد یا توسعه پایین انسانی است؛ فقر همان آسیب پذیری، نبود قدرت و ابراز عقیده است (بانک جهانی، ۱۳۸۱: ۲۸). همانگونه که مشاهده می شود تعاریف، دیدگاهها، پژوهشها و مطالعات گوناگون از فقر ارائه شده است و یک بخشی از این پدیده را به تحلیل کشانده اند، زیرا این پدیده در جوامع گوناگون، فرهنگهای مختلف و حتی در اندیشه افراد جامعه تغییر می کند، یک پدیده شدیداً انعطاف پذیر که چهره های بسیار گوناگونی را ارائه می دهد. از طرفی غالباً تعریف فقر و مخصوصاً خط فقر، علاوه بر این که موضوع علمی است، سیاسی نیز هست (پیران، ۱۳۸۴: ۲۰). به طور کلی فقر هنگامی در یک جامعه بروز می کند که برخی از افراد از سطح معینی از رفاه که طبق معیارهای آن جامعه حداقل معقولی تلقی می شود، برخوردار نباشند. بدین ترتیب ممکن است در یک کشور محرومیت از امکاناتی که برای حیات ضروری است، فقر تلقی شود و در کشوری دیگر، فقر به معنای محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی معقول در آن کشور به حساب آید (پیرایی و شفیع، ۱۳۸۰: ۳۶).

علیرغم ۵۰ سال تلاش رسمی جهان برای توسعه و پیشرفتهای عظیم در علوم و فناوری، ما هنوز در قرن بیست و یکم شاهد نابرابری فزاینده میان مردم کشورهای مختلف هستیم و تقریباً یک سوم از جمعیت جهان زیر خط فقر ۲ قرار دارند (کارولین، ۱۳۸۲: ۳۱). در واقع، فقر در اشکال مختلف و به درجات متفاوت در جوامع به کلی فقیر به طور عمومی و در جوامع مرفه به صورت موردی به چشم می خورد (437: Meier, 1968). اشکال مختلف فقر و در واقع فقر ذهنی، نسبی و مطلق را اینگونه می توان عنوان نمود:

^۱- UNDP

^۲- آستانه ای است که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می کند. این آستانه، خط فقر نامیده می شود (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴: ۱۴). خط فقر به دو صورت خط فقر مطلق و نسبی محاسبه می شود. به عقیده مارتین راولیون (۱۹۹۸)، خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می شود (Ravallion, 1998: 133).

فقر ذهنی به صورت قضاوت هر فرد در مورد اینکه آیا نیازهای وی در حد کافی و یا غیرکافی ارضا می‌شود یا نه، یعنی قضاوت شخصی و ذهنی افراد (زیاری، ۱۳۸۳: ۸۱)؛ فقر نسبی^۱ به صورت ناتوانی در کسب متوسط سطح زندگی افراد یک جامعه تعریف شده است، بنابراین بیشتر به نابرابری توزیع درآمد در جامعه مربوط می‌شود و عموماً با میزان درآمد ارتباط دارد (Kakwanti, 2003: 2). در واقع، فقر نسبی را می‌توان سنجش میزان ارضای نیازهای فرد در مقایسه با دیگر افراد جامعه تعریف کرد (زیاری، ۱۳۷۷: ۸۱)؛ فقر مطلق^۲ نیز به صورت محرومیت یا ناتوانی تأمین حداقل نیازهای اساسی، حتی حفظ کارای جسمانی فرد برای ادامه زندگی تعریف می‌شود (Kakwanti, 2003: 2). پس حداقل مصرف برای اینکه فرد فقیر جلوه نکند یا درآمد وی برای تأمین حداقل نیازهای اساسی کفایت کند، فقر مطلق نامیده می‌شود (میرشجاعی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). فقر مطلق را می‌توان حداقل سطح زندگی (زیاری، ۱۳۷۷: ۸۰) یا زندگی کردن در شرایطی تعریف کرد که سطح تغذیه، بی‌سوادی و بیماری در آن پایین‌تر از هرگونه تعریف معقول شخصیت و لیاقت انسانی قرار داشته باشد (آسایش، ۱۳۷۷: ۹۸).

طی سه دهه، مفاهیم جدیدی از فقر ارائه و تعاریف جدید با کارهای تاونسند^۳ (۱۹۷۹) و سن^۴ (۱۹۸۵) معرفی شد. آنها محدودیتهای درآمدی بر اساس خط فقر را به عنوان شاخصی برای زندگی بهتر مورد محاسبه قرار دادند (Deutsch & et, 2006: 139). از طرفی، تلاشهای بسیاری برای ارائه راه‌حلهای مناسب جهت اندازه‌گیری فقر صورت گرفت. همانگونه که اشاره شد، دو رویکرد فقر مطلق که بر نیازهای اساسی جهت تعیین آستانه فقر تأکید داشت (Watts, 1967; Booth, 1969; Orshanski, 1965) و رویکرد فقر نسبی که به مقایسه شرایط هر یک از افراد با استانداردهای زندگی می‌پرداخت، حاصل چنین تلاشهایی بودند (Miceli, 2006: 195).

مایکل پیتون تضاد فعلی جوامع در حال توسعه را بین سرمایه و کار یا منافع داخلی و خارجی نمی‌داند بلکه آن را ناشی از اختلاف بین جوامع شهری و روستایی می‌پندارد (Meier, 1968: 437). از آنجا که درصد بالایی از جمعیت روستایی زیر خط فقر هستند و فقرای روستایی وضع به مراتب بدتری نسبت به فقرای شهری دارند، در آینده به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها، بر فقرای شهری و شدت فقر افزوده خواهد شد. فقر شهری عموماً با کارگران بیکار یا اخراج شده و مهاجران روستایی فقیر ظاهر می‌شود و ساختار اجتماعی و الگوی فضایی در مناطق شهری را دگرگون می‌کند (Liu & Wu, 2006: 61). در واقع، مجموعه‌ای از فقر انتقال یافته از جامعه روستایی (توسط مهاجران به شهر) و نیز، فقر تولید و بازتولید شده در جامعه شهری (توسط جابجایی‌های درون شهری) را دربرمی‌گیرد و با مشخصه‌هایی

1 -Relative Poverty

2- Absolute Poverty

3 - Townsend

4 - Sen

چون، درجات تجاری سازی بالا، خطرات سلامتی و محیطی بالاتر، گسیختگی اجتماعی، جرم و جنایت، تضادها و برخوردها با حکومت (Zainal et al, 2012: 828)، زندگی در زاغه های پر ازدحام، فقدان زیرساخت، کیفیت ابنیه پایین، دسترسی محدود به خدمات، تصرف زمینهای غیر قانونی (Baker, 2009) و با درآمد و مصرف کم و دیگر شرایط بد مربوط به اشتغال، مسکن، مراقبتهای بهداشتی آموزش و حتی با موقعیت فرد در شبکه های اجتماعی شناخته می شود (Duclos and Araar, 2006). به طور کلی، پدیده ای چندبعدی است که افراد را با بسیاری از محدودیتهای زندگی مواجه می سازد، چالشهای پیش رو می تواند شامل دسترسی محدود به فرصتهای شغلی و درآمدی، عدم بهره مندی از مسکن و خدمات، محیطهای ناسالم و خشن و عدم بهره مندی از خدمات تأمین اجتماعی و سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی دانست (Ibid, 2006).

همانگونه که می دانیم شهرها نه تنها محلی با تراکم تولید هستند، بلکه بخشی از بازتولید اجتماعی نیز در نظر گرفته می شوند (Chen et al, 2006: 4). اما سیستم رفاهی شهر گاهی به منزله تله ای است که در مقابل حمله فقر شهری قرار می گیرد و مفاهیمی مانند محرومیت اجتماعی و انزوای اجتماعی برای توصیف چندبعدی وضعیت فقر توسعه می یابد زندگی در این شهرهای فقرزده به معنای زندگی در اقتصادی است که تولید آن فقط برای زنده ماندن است (Fay, 2005: 2). در بسیاری از مطالعات کشورهای در حال توسعه، فقر شهری در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری بررسی شده است (Amis, P. & Rakodi, 1995: 404). علاوه بر این، باید اشاره کرد که به تازگی مطالعات مربوط به فقر شهری در کشورهای در حال توسعه، نباید به طور انحصاری بر مقوله های شهری متمرکز شود (Chen et al, 2006: 5). بخشی از دلایل در این واقعیت نهفته است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، شهر سوپاپ اطمینانی برای مبارزه اقتصادی روستایی است و زمینه ای امیدوار کننده برای مهاجرت روستائیان به شهر به شمار می رود (Berner, 2000: 557).

در رابطه با فقر و به ویژه فقر شهری، شناخت و مقابله با آن نظریات مختلفی مطرح شده است؛ این دیدگاهها متنوع است و مکاتب مختلف، با دیدی متفاوت مسأله فقر را بررسی کرده اند. در جدول ۲ به اختصار دیدگاه هر یک از این دیدگاهها آمده است:

جدول شماره ۲- رویکردهای تحلیل فقر شهری

رویکردهای متفاوت و فقر شهری	تئوکلاسیک	گروهی از طرفداران این مکتب، در دهه های اخیر، از توزیع مجدد در آمد به نفع فقیران جانبداری می کنند؛ اما اغلب آنها مدعی اند که سیستم قیمتها، خود موجب گسترش فرصتهای شغلی و افزایش در آمد فقیران خواهد شد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳).
	دولت رفاه و فقر	در دولت رفاه، نقش دولت در ایجاد تعادلهای اقتصادی عمده می شود و با تأمین نظام اجتماعی گسترده، حمایت قابل توجهی از سوی دولت در مواجهه با مسأله فقر و بیکاری و نوسانات اقتصادی انجام می شود. آموزش و پرورش رایگان، پرداخت حقوق رایگان، پرداخت حقوق به بیکاران و ملی کردن صنایع بزرگ از جمله اقدامات در این زمینه می باشد (علیزاده، ۱۳۸۱).
	بوم شناسی (اکولوژی) و فقر	جانبداران این دیدگاه، فقر در نواحی شهری نظیر گتوها را به پستی زن ساکنان آن نواحی نسبت داده اند. نظریه پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروههای مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله ها ساکن شوند، این نواحی باز هم فقیر خواهند ماند؛ بنابراین مشکل این محله های فقیرنشین، نواحی خاص آنهاست نه افرادی که در این نواحی ساکن اند (افروغ، ۱۳۷۷).
	رادیکال	در دیدگاه رادیکال، فقر به طور ریشه ای ناشی از اوضاع ساختار اقتصاد سیاسی است که در ارتباطهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی متبلور می شود. بر اساس این دیدگاه، مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی، دموکراسی، رفاه و عدالت، زمینه را برای به قدرت رسیدن دولتهایی با سوگیری توسعه همگانی و مهار ریشه ای فقر فراهم می کند (رئیس دانا، ۱۳۷۹). جانبداران این دیدگاه، با بررسی ساختارهایی که فقر را به وجود می آورد، در صدد مقابله ریشه ای با مسائل پدید آورنده فقر هستند.
	کارکردگرایی	این نظریه در تحلیل آسیبهای اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشواریها و آسیبهای اجتماعی را ناشی از مشکلات افراد قلمداد می کند. به همین دلیل، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیبهای اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می داند. بنابراین به وضعیت اجتماعی در محله های فقیرنشین و توزیع ناعادلانه امکانات در شهر و روستا توجه چندانی نمی کند (مدنی، ۱۳۷۹).
	تعارض گرا	تعارض گرایان جامعه را سرشار از تضاد و تنازع گروههای مختلف بر سر قدرت و ثروت و منزلت می دانند. آنان معتقدند نظم اجتماعی موجود، حاصل تقوی یکی از دو سوی تعارض بر دیگری است. از نظر تعارض گرایان، تضاد و تعارض نه تنها اجتناب ناپذیر است بلکه گاهی نیز مفید و عامل رشد و ارتقاء جامعه است (همان، ۱۳۷۹).
	عدالت اجتماعی	در پیرامون جامعه، شاهد نابرابریهای عظیم در قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجاوز به منابع اقتصادی هستیم. عدالت اجتماعی کیفیتی آشکار در کاهش این نابرابریهاست و طی فرآیندی، به اعداده برابریها می انجامد (شکویی، ۱۳۸۶). برای از بین بردن ریشه ای فقر، باید نظام توزیع را به گونه ای تغییر دهیم که هم عدالت اجتماعی در آن، رعایت شود و هم موجب نفی استمرار گردد (عابدین درکوش، ۱۳۸۶).

بر اساس آنچه بیان شد، می توان ادعا کرد که وضعیت فوق در شهرهای کشور ما نیز به نوعی قابل مشاهده و لمس بوده و بخشی از مشکلات شهرها ناشی از همین عوامل مذکور است، عواملی که به عنوان مبنای پژوهش حاضر و در قالب چارچوب مفهومی قابل ارائه می باشد:

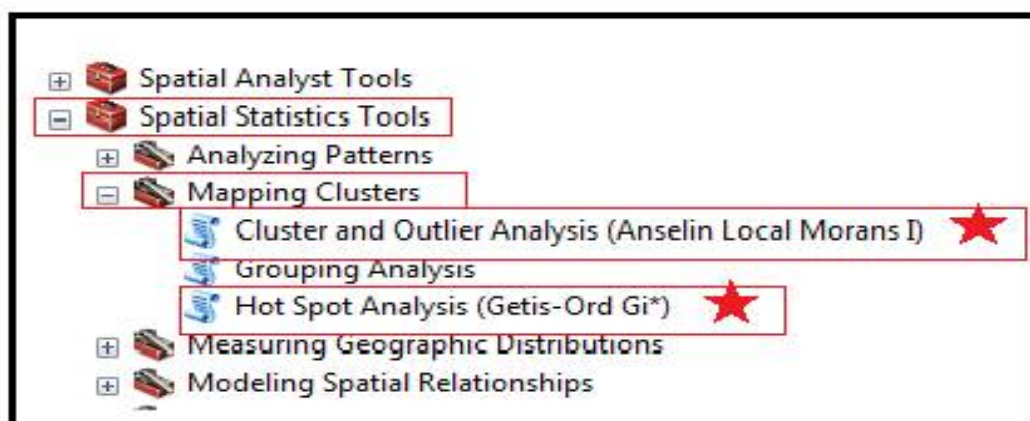


شکل شماره ۱- مولفه‌های مورد نیاز برای سنجش وضعیت فقر در محلات شهری (مأخذ: نتایج تحقیق)

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر حسب هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، کمی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، بلوک‌های مسکونی شهر میاندوآب بوده و مأخذ استناد شاخص‌های مورد استفاده، اطلاعات بلوک‌های آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و نقشه‌های (GIS) معاونت برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان غربی می‌باشد. جهت ارزیابی موضوعات قابل بررسی در مقوله سنجش فقر و خصیصه‌های تأثیرگذار بر آن و برای نیل به اهداف پژوهش، ۳۰ شاخص در قالب ۳ دسته مؤلفه اجتماعی (۹)، اقتصادی (۱۰) و کالبدی (۱۱) برای انجام پژوهش انتخاب گردیده است. شاخص‌سازی‌ها در نرم افزار Excel صورت گرفته و اطلاعات برای تحلیل و ترسیم نقشه به ArcGIS فراخوانی شده است. برای تعیین بلوک‌های فقیرنشین و خوشه‌بندی فقر از ابزارهای آمار فضایی^۱، ابزارهای تهیه نقشه خوشه‌ها^۲ که شامل دو ابزار تحلیل لکه‌های داغ و آماره موران محلی است با روی هم گذاری لایه‌ها در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است.

ابتدا تحلیل لکه‌های داغ بر روی تمامی شاخص‌های عنوان شده در پژوهش به صورت جداگانه انجام شد و برای هر شاخص، یک لایه رستری تهیه گردید. در ادامه، لایه‌های رستری مربوط به شاخص‌های هر مولفه در محیط ArcGIS به کمک قابلیت‌های تحلیلی نرم افزار با هم تلفیق شده و برای هر یک از مولفه‌ها (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی)، یک نقشه استخراج گردید. در ادامه، سه لایه مربوط به این سه مولفه نیز با هم تلفیق و از مجموع کل مولفه‌ها و شاخص‌ها، نقشه نهایی به دست آمد که با استفاده از آن نقشه پهنه‌بندی (سطح‌بندی) فقر در بلوک‌های شهری با استفاده از شاخص توسعه یافتگی موریس و خوشه‌بندی فقر بر اساس آماره موران محلی تهیه شد.



شکل شماره ۲- ابزارهای ArcGIS به کار رفته در پژوهش به عنوان مدل؛ (مأخذ: نگارندگان)

^۱-Spatial statistics tools

^۲-Clusters

مولفه‌ها و شاخص‌های سنجش فقر

برای سنجش فقر مانند اغلب مفاهیم دیگر نیاز به تعیین شاخص‌هایی است که هر کدام جنبه‌ای از موضوع را مورد ارزیابی قرار دهند (لطیفی و سجاسی، ۱۳۹۰: ۱۷۰). و اصولاً باید در این ارزیابی شاخص‌هایی اولویت داده شوند که بر واقعیت اجتماعی موضوع منطبق و به سهولت قابل بررسی و اندازه‌گیری باشند. به واسطه چند وجهی بودن مسئله فقر شاخص‌هایی که جهت بررسی فقر توسط مجامع علمی و جهانی بیان شده‌اند در قالب چهار مولفه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی عنوان شده‌اند. پژوهش حاضر نیز با استفاده از ۳۰ شاخص در قالب سه مولفه یا معیار (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) به تحلیل و شناسایی فقر در محدوده مورد مطالعه پرداخته است. جدول شماره ۳ مولفه‌ها و شاخص‌های تحقیق را معرفی می‌نماید.

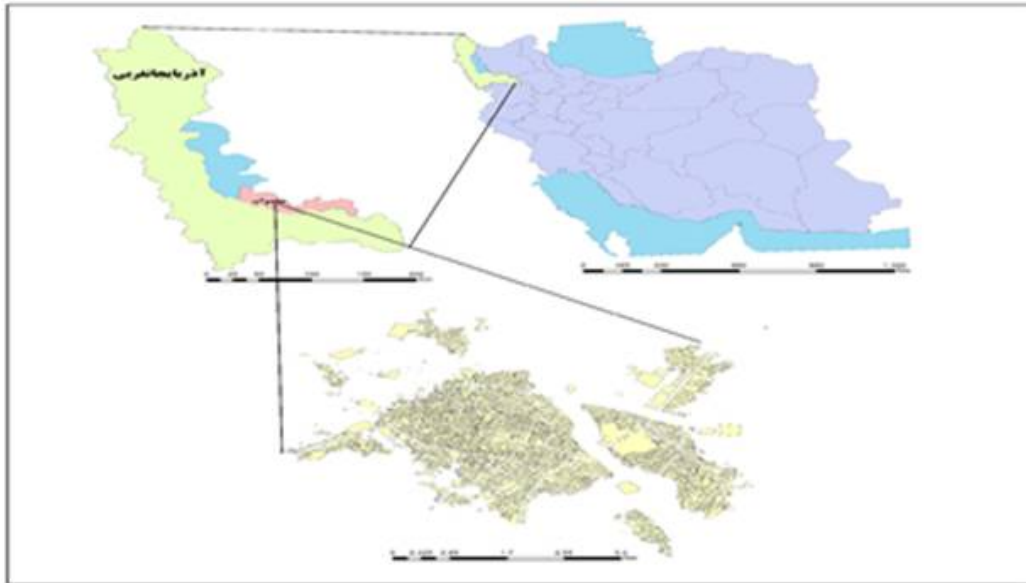
جدول شماره ۳- مولفه‌ها و شاخص‌های به‌کار رفته در پژوهش

مولفه‌ها	شاخص‌ها
اجتماعی	تراکم جمعیتی، بعد خانوار، تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تعداد اتاق در واحد مسکونی، نسبت باسوادی، تعداد اتاق در اختیار هر نفر، تراکم نفر در هر اتاق، نسبت سنی و جنسی
کالبدی	مساحت و زیربنای مسکونی، سرانه مسکن، کیفیت نمای ابنیه، میزان دوام و پایداری مسکن، نوع مالکیت مسکن، وضعیت دفع فاضلاب، برخورداری از آشپزخانه، وضعیت آب مصرفی، وضعیت سوخت مصرفی، برخورداری از تلفن، وضعیت برق مصرفی
اقتصادی	درآمد خانوار، بار تکفل خالص، میزان فعالیت عمومی، بار تکفل ناخالص، میزان اشتغال، بیکاری مردان، بیکاری زنان، نرخ بیکاری، نرخ سربراری، مشارکت اقتصادی

مأخذ: نگارندگان

محدوده و قلمرو پژوهش

شهر میاندوآب مرکز شهرستان میاندوآب، در مختصات جغرافیایی ۵۷ دقیقه و ۳۶ درجه تا ۵۹ دقیقه و ۳۶ درجه عرض شمالی و ۴۹ دقیقه و ۴۹ درجه تا ۸ دقیقه و ۴۹ درجه طول شرقی و در ارتفاع ۱۳۰۰ متری از سطح دریای آزاد واقع شده است (سرور، ۱۳۸۳: ۲۱). این شهر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ۱۳۵۸۸۰ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). میاندوآب را می‌توان به عنوان مرکز منطقه جنوب و جنوب شرق دریاچه ارومیه فرض کرد زیرا با قرارگیری بر سر راه‌های ارتباطی ۳ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.



شکل شماره ۳- موقعیت محدوده مورد مطالعه، (مأخذ: نگارندگان)

یافته‌های تحقیق

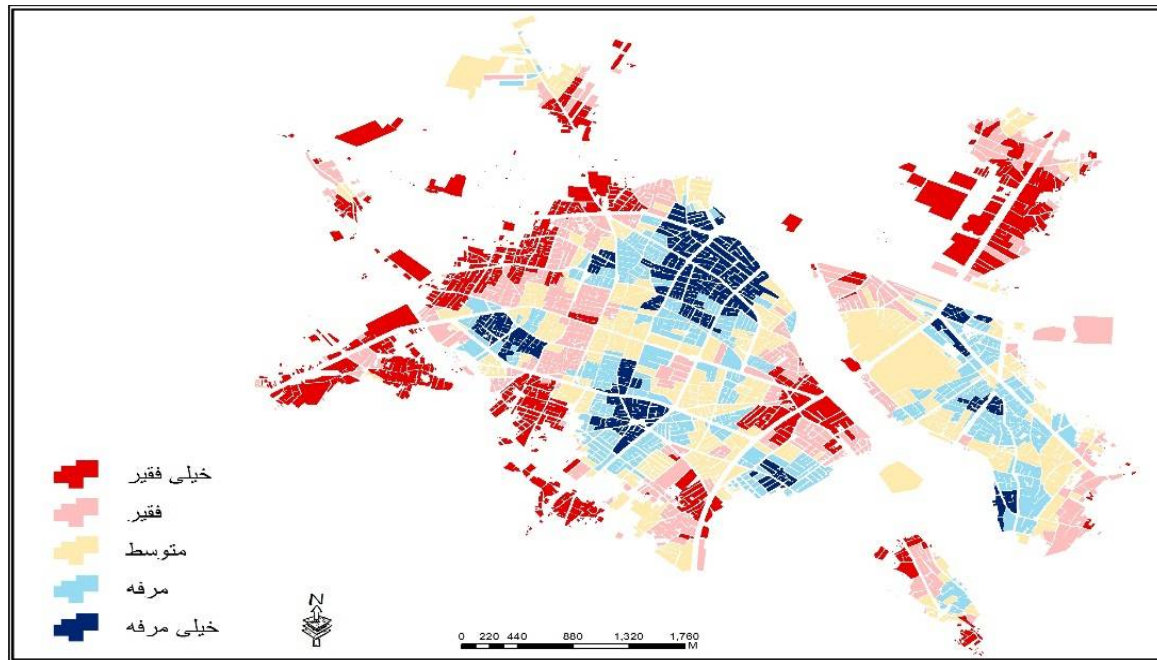
توزیع فضایی فقر، پهنه‌بندی بلوک‌های فقرنشین و خوشه‌بندی فقر از اقدامات این پژوهش است. در این راستا، ابتدا تحلیل لکه‌های داغ بر روی تک تک شاخص‌های هر مولفه انجام و از هر شاخص یک لایه به دست آمده و مجموع لایه‌های شاخص‌های هر مولفه با هم ترکیب شدند. بدین ترتیب، سه نقشه به دست آمد که هر کدام از آنها مربوط به یکی از سه مولفه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بوده و بر مبنای هر کدام از مولفه‌ها، توزیع و پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری انجام شد.

نتایج بررسی توزیع فضایی فقر بر اساس مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بلوک‌های شهری

میان‌دوآب در سال ۱۳۹۰

مولفه اجتماعی

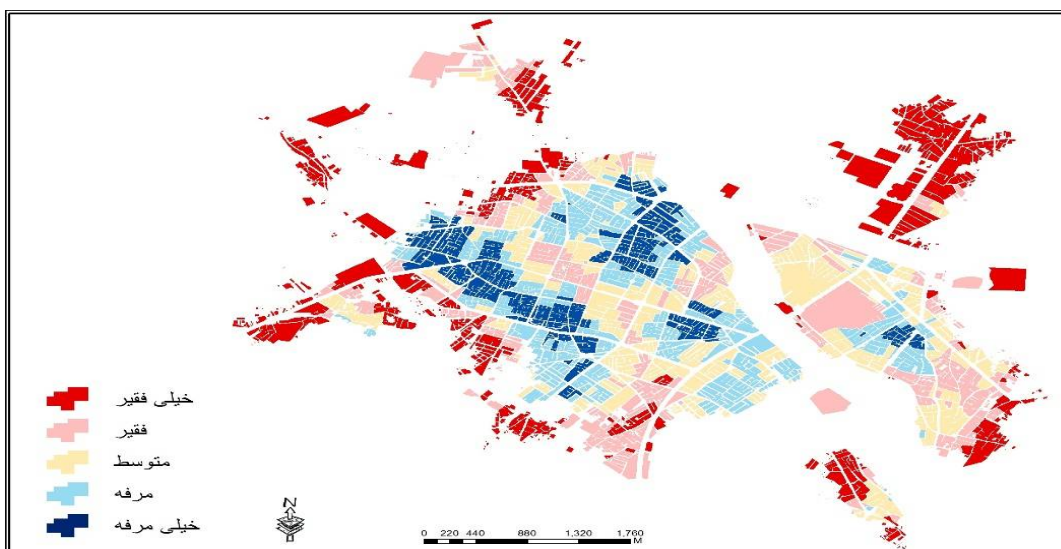
این مولفه شامل ۹ شاخص تراکم جمعیتی، بعد خانوار، تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تعداد اتاق در واحد مسکونی، نسبت باسواد، تعداد اتاق در اختیار هر نفر، تراکم نفر در هر اتاق، نسبت سنی و جنسی می‌باشد. نتایج زیرمجموعه‌های این مولفه در شکل ۴ به صورت نقشه و با عنوان پهنه‌بندی فقر بر اساس شاخص‌های مولفه اجتماعی آمده است. توزیع و پراکنش فضایی فقر بر اساس مولفه اجتماعی بدینگونه است که از مجموع ۱۶۶۰ بلوک شهری میان‌دوآب در سال ۱۳۹۰، ۴۴۶ بلوک خیلی فقیر، ۴۱۶ بلوک فقیر، ۳۷۸ بلوک متوسط، ۲۳۷ بلوک مرفه و ۱۸۳ بلوک در وضعیت خیلی مرفه قرار گرفته‌اند.



شکل شماره ۴- نقشه پهنه‌بندی فقر بر اساس شاخص‌های مولفه اجتماعی در بلوک‌های شهری میاندوآب؛ (مأخذ: نگارندگان)

مولفه اقتصادی

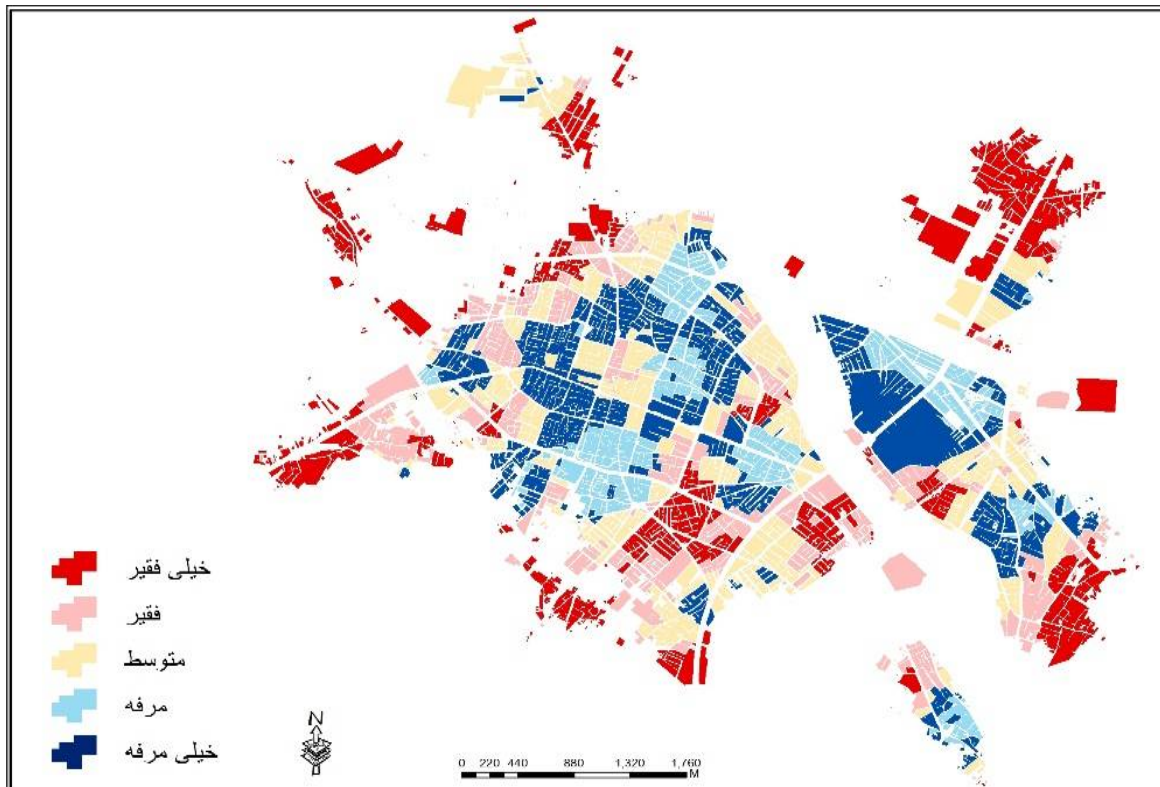
شاخص‌های این مولفه، ۱۰ مورد بوده که عبارتند از: درآمد خانوار، بار تکفل خالص، میزان فعالیت عمومی، بار تکفل ناخالص، میزان اشتغال، بیکاری مردان، بیکاری زنان، نرخ بیکاری، نرخ سرباری، مشارکت اقتصادی. توزیع فقر از منظر مولفه اقتصادی بدین ترتیب است که از مجموع ۱۶۶۰ بلوک شهر در سال ۱۳۹۰، ۴۰۷ بلوک خیلی فقیر، ۳۷۹ بلوک فقیر، ۳۹۶ بلوک متوسط، ۲۶۲ بلوک مرفه و ۲۱۶ بلوک در گروه خیلی مرفه قرار گرفته‌اند. شکل ۵، به خوبی نشانگر مسأله است.



شکل شماره ۵- نقشه پهنه‌بندی فقر بر اساس شاخص‌های مولفه اقتصادی در بلوک‌های شهری میاندوآب؛ (منبع: نگارندگان)

مولفه کالبدی

مساحت و زیر بنای مسکونی، سرانه مسکن، کیفیت نمای ابنیه، میزان دوام و پایداری مسکن، نوع مالکیت مسکن، وضعیت دفع فاضلاب، برخورداری از آشپزخانه، وضعیت آب مصرفی، وضعیت سوخت مصرفی، برخورداری از تلفن و وضعیت برق مصرفی، یازده شاخص مولفه کالبدی هستند. پراکنش فضایی فقر از منظر مولفه کالبدی گویای این است که از مجموع ۱۶۶۰ بلوک شهری، شهر میاندوآب دارای ۴۱۷ بلوک خیلی فقیر، ۳۸۸ بلوک فقیر، ۳۸۵ بلوک متوسط، ۲۲۳ بلوک مرفه و ۲۴۷ بلوک خیلی مرفه و در واقع، برخوردار کامل می باشد.



شکل شماره ۶- نقشه پهنه‌بندی فقر بر اساس شاخص‌های مولفه کالبدی در بلوک‌های شهری میاندوآب؛ (منبع: نگارندگان)

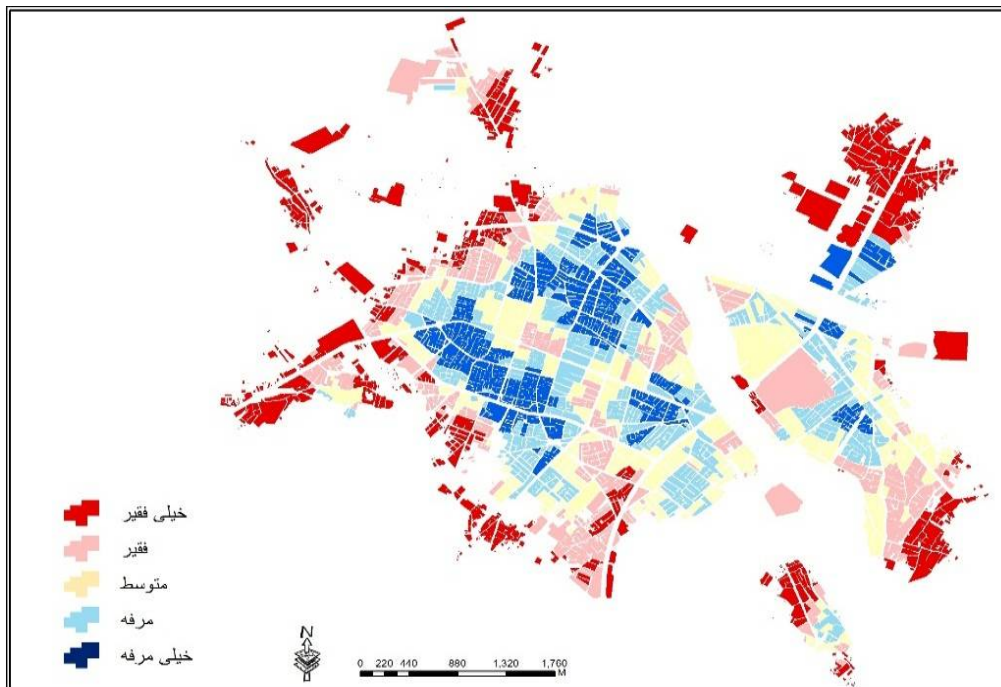
جدول شماره ۴- مقایسه تعداد و درصد سطوح فقر در بلوک‌های شهر میاندوآب بر اساس مولفه‌های سه‌گانه

کالبدی		اقتصادی		اجتماعی		مولفه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	سطح فقر
۲۵	۴۱۷	۲۴/۵	۴۰۷	۲۷	۴۴۶	خیلی فقیر
۲۳/۳	۳۸۸	۲۳	۳۷۹	۲۵	۴۱۶	فقیر
۲۳	۳۸۵	۲۴	۳۹۶	۲۳	۳۷۸	متوسط
۱۳/۷	۲۲۳	۱۵/۵	۲۶۲	۱۴	۲۳۷	مرفه
۱۵	۲۴۷	۱۳	۲۱۶	۱۱	۱۸۳	خیلی مرفه

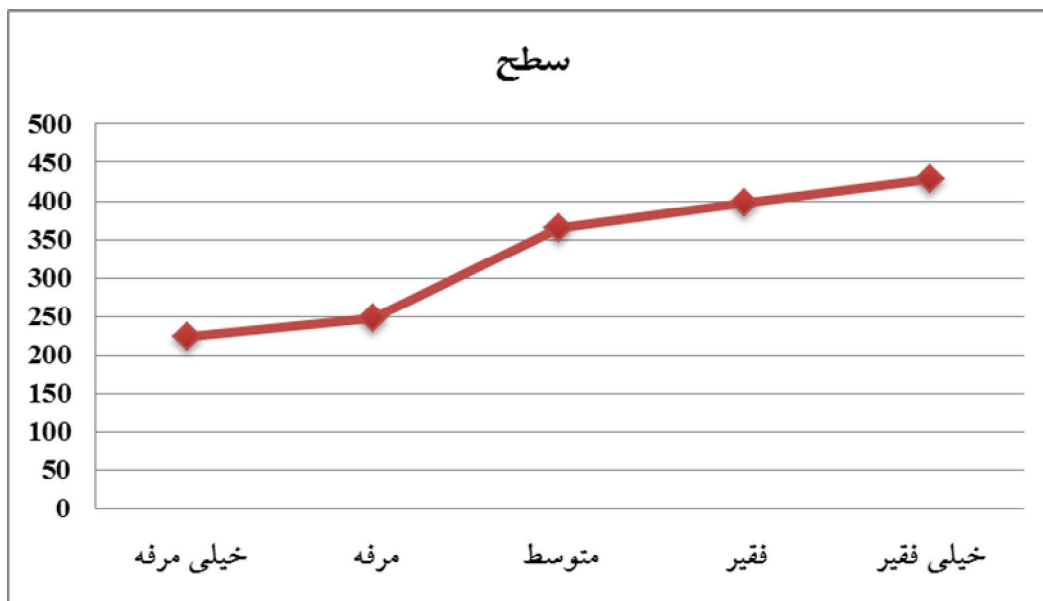
مأخذ: نتایج پژوهش

تلفیق مولفه‌ها و سطح بندی بلوک‌های شهر

با روی هم گذاری لایه‌های مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شکل ۷ (نقشه) بدست آمد. در واقع این نقشه پراکنش و سطح بندی فقر براساس کل شاخص‌های بکار رفته در تحقیق است. توزیع فقر در بلوک‌های شهری میاندوآب در سال ۱۳۹۰ بر مبنای تلفیق مولفه‌های سه‌گانه بازگو می‌کند که ۴۲۹ بلوک خیلی فقیر (۲۶ درصد)، ۳۹۷ بلوک فقیر (۲۴ درصد)، ۳۶۴ بلوک متوسط (۲۲ درصد)، ۲۴۸ بلوک مرفه (۱۵ درصد)، ۲۲۴ بلوک نیز در سطح خیلی مرفه (۱۳ درصد) هستند. مکان و فضایی که بلوک‌های خیلی فقیر در آن تمرکز دارند حاشیه و پیرامون شهر است، جایی که هسته‌های روستایی ادغام شده در هر شهر اینک جزئی از بافت و کالبد شهر شده‌اند. بلوک‌های فقیر نیز در حواشی و لکه‌های از آنها در میانه شهر جای دارند. بلوک‌های متوسط در میانه شهر و بلوک‌های مرفه و خیلی مرفه در مرکز شهر تمرکز دارند.



شکل شماره ۷- پهنه‌بندی فقر براساس تلفیق مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در بلوک‌های شهری میاندوآب؛ (مأخذ: نگارندگان)

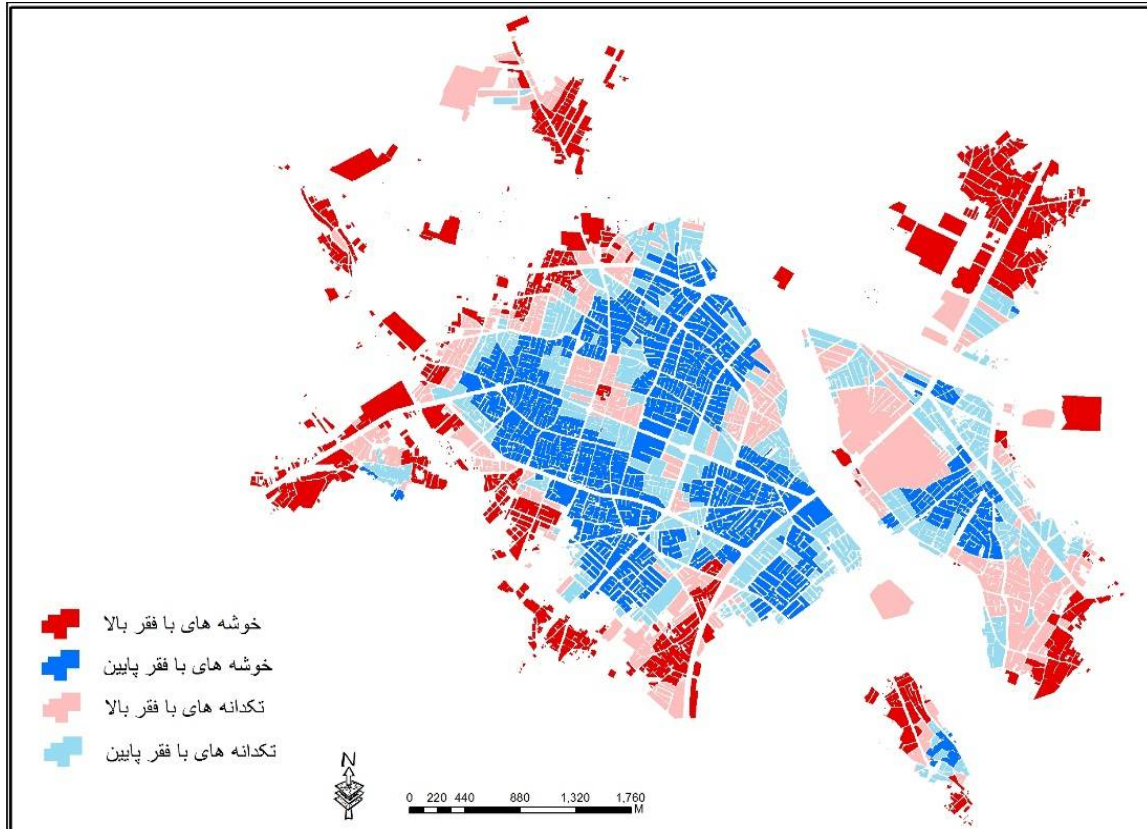


شکل شماره ۸- توزیع فضایی فقر در بلوک‌های شهری میاندوآب با مولفه‌های تلفیقی؛ (مأخذ: نگارندگان)

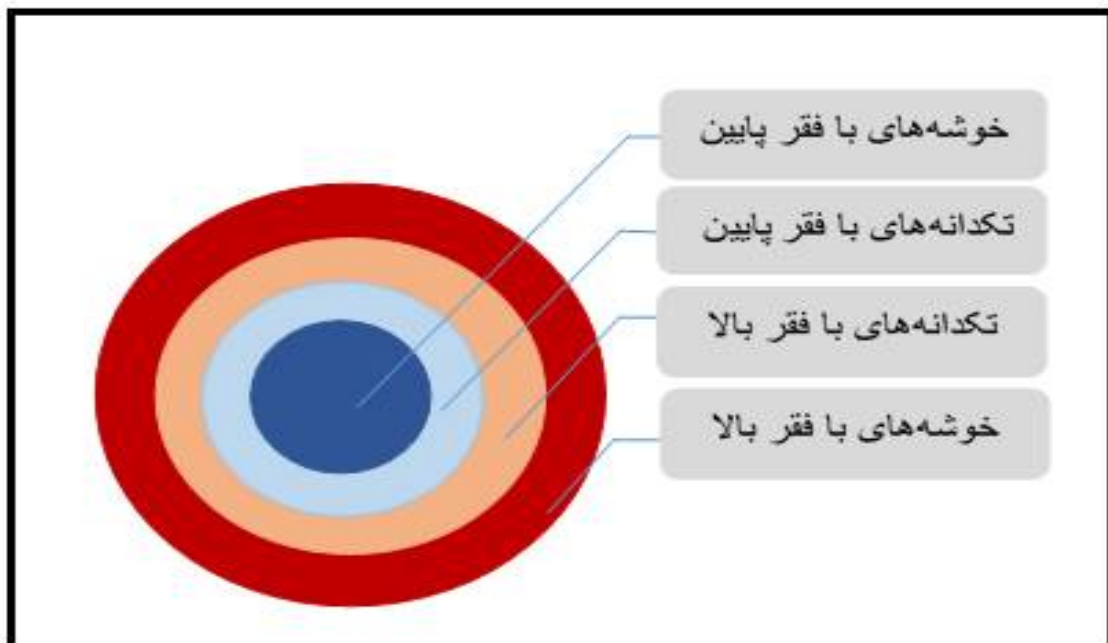
مشخص کردن الگوی توزیع فقر و خوشه‌بندی آن بر پایه مولفه‌های تلفیقی

به منظور خوشه بندی فقر از آماره موران محلی (Cluster and Outlier Analysis) به عنوان مدل و ابزار استفاده شد. نقشه خروجی حاصل از این ابزار به ما نشان می‌دهد که خوشه‌های فقر در کجای شهر در حال شکل‌گیری است و محدوده‌های آن کجاست.

همانگونه که شکل ۹ نشان می‌دهد، فقر در سطح شهر در چهار خوشه دسته بندی شده است. خوشه‌های با فقر بالا در حواشی شهر قرار دارند که همانند یک کمربند شهر را احاطه کرده‌اند. این خوشه‌ها مربوط به روستاهای ادغام شده در شهر هستند. خوشه‌های با فقر پایین نیز در مرکز شهر جای دارند. تكدانه‌های با فقر بالا بین خوشه‌های با فقر بالا و تكدانه‌های با فقر پایین قرار گرفته‌اند در واقع این محدوده مرز بین هسته‌های روستایی ادغام شده و شهر است. همچنین تكدانه‌های با فقر پایین نیز در اطراف خوشه‌های با فقر پایین استقرار دارند. برای درک بهتر شکل ۱۰ ترسیم شد که نحوه قرار گیری این خوشه‌ها را به صورت گرافیکی در شکل دواير مرکزی نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۹- خوشه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری میاندوآب با استفاده از مولفه‌های تلفیقی؛ (مأخذ: نگارندگان)



شکل شماره ۱۰- نمایش گرافیکی خوشه‌بندی فقر و موقعیت قرارگیری در بلوک‌های شهری میاندوآب؛ (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه گیری

گستره‌های فقر که بخش جدایی ناپذیری از مناطق شهری را تشکیل داده‌اند، به دلیل تبعات و پیامدهای منفی این پدیده (فقر) و گسترش آن همواره مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته‌اند؛ مساله مهم در جلوگیری از گسترش پدیده فقر، شناخت دقیق پهنه های فقر و تبلور فضایی آن در شهرهاست زیرا وضعیت فقر و گسترش آن در شهرهای ایران، الگوهای متفاوتی دارد. بر همین اساس، با توجه به اهمیت مطالعه توزیع فضایی فقر در جوامع شهری و با لحاظ اینکه مطالعه این پدیده، زمینه تصمیم گیری و برنامه ریزی مناسب به منظور کاهش مشکلات مرتبط با فقر را برای برنامه ریزان و مدیران در محلات شهری فراهم می کند، پژوهش حاضر با هدف تحلیل توزیع فضایی فقر، شناسایی بلوک‌های فقرنشین و خوشه-بندی فقر در بلوک‌های شهری میاندوآب در بازه زمانی ۱۳۹۰ با استفاده از ۳۰ شاخص در قالب سه مولفه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به نگارش درآمده است.

نتایج توزیع فضایی فقر بر پایه این سه مولفه، حاکی از برتری نسبی و تأثیر بیشتر "مولفه اجتماعی" و شاخص‌های آن در پراکنش فضایی فقر در شهر میاندوآب داشته و مولفه‌های اقتصادی و کالبدی نیز با اختلاف ناچیزی در رتبه بعدی با تأثیر کمتری قرار دارند. نتایج تلفیق این مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نشانگر آن است که ۴۲۹ بلوک خیلی فقیر (۲۶ درصد)، ۳۹۷ بلوک فقیر (۲۴ درصد)، ۳۶۴ بلوک متوسط (۲۲ درصد)، ۲۴۸ بلوک مرفه (۱۵ درصد) و ۲۲۴ بلوک نیز در سطح خیلی مرفه (۱۳ درصد) قرار دارند.

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مبین "خوشه‌ای بودن" الگوی توزیع فقر در شهر میاندوآب بوده و بر این اساس، اقدام به خوشه‌بندی فقر به وسیله آماره موران محلی شد که خروجی این ابزار، فقر را در چهار گروه خوشه‌های با فقر بالا، خوشه‌های با فقر پایین، تکدانه‌های با فقر بالا و تکدانه‌های با فقر پایین دسته‌بندی کرد. نتایج این دسته‌بندی به روشنی حاکی از آن است که خوشه‌های با فقر بالا و تکدانه‌های با فقر بالا در حواشی شهر قرار داشته و مربوط به روستاهای ادغام شده در شهر بوده که در حال حاضر با نام محلات شهری شناخته شده و در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند. خوشه‌های با فقر پایین در مرکز و تکدانه‌های با فقر پایین نیز در جوار آن در میانه شهر جای گرفته‌اند. با بررسی‌های انجام شده و لحاظ کردن تمامی معیارها، نتایج، نشان دهنده "اختلاف فضایی فقر" در محدوده مورد مطالعه است؛ به طوری که بلوک‌های فقیر به حاشیه‌ها و بلوک‌های برخوردار به مرکز گرایش و تمایل شدیدتری داشته‌اند، وضعیتی که حاکی از "وجود فاصله طبقاتی و دوگانگی در فضای شهر میاندوآب" است.

نگارندگان پژوهش حاضر بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهایی برای رفع حداکثری مسائل و مشکلات موجود بدین صورت بیان می‌دارند:

تأسیس و تشکیل انجمن‌های محلی در محلات و ارتباط مستمر این انجمن‌ها با مدیریت شهری و مسوولان شهر برای فراهم نمودن زمینه رفع مسائل و مشکلات شهروندان. تلاش برای نوعی فرهنگ‌سازی در رابطه با فقر و فقیر در بین شهروندان و مسوولین. مدیریت یکپارچه شهری اعم از نهادهای دخیل در امور شهری مانند شهرداری، فرمانداری، ادارات درگیر در امر مسکن، تأسیسات و خدمات شهری و ...

تغییر و اصلاح رویکرد مسوولان از نگاه تک بعدی به مسأله فقر و ایجاد دیدی مبتنی بر نگاه واقع بینانه با تأکید بر تمامی مولفه‌های تاثیرگذار در مسأله فقر شهری اعم از اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ...

تخصیص منابعی از قبیل آموزش، بهداشت، خدمات زیربنایی و ... در محلات فقیرنشین برای بهره‌مندی ساکنان این محلات از این امکانات و همچنین ارتقاء منزلت و شأن این محلات.

بهره‌مندی از دیدگاه‌های مردم و به ویژه صاحب‌نظران و نخبگان محلی جهت دریافت راهکارهای مؤثر بهبود مناطق فقیرنشین شهر میاندوآب.

چاره‌جویی برای ریشه‌یابی و اصلاح مسأله مهاجرت‌های روستا شهری صورت گرفته به شهر میاندوآب. بهره‌گیری از توان مردم محلی در ایجاد اشتغال به صورت مشارکت آنان در برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با امر فقرزدایی در محلات فقیرنشین.

ساماندهی محلات فقیرنشین و بهبود اوضاع کالبدی آنها.

ساماندهی فعالیت‌های پراکنده و اشتغال کاذب در محلات فقیرنشین برای بهبود وضعیت کالبدی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی این محلات.

ایجاد تحول اساسی در نگاه مدیریتی به محلات فقیرنشین در امر تخصیص بودجه لازم.

در نهایت، نگارندگان پژوهش حاضر به عنوان عقیده‌ای کلی بر این امر وفاق دارند که شرط پایه و اقدام اولیه برای مقابله با فقر در شهرهای ایران و به صورت ویژه در شهر میاندوآب، "درک واقعیت امر (فقر) و مسائل پیش‌روی آن" است تا با نگاهی راهبردی و با تکیه بر "شناخت معقول" بتوان هرچند به صورت ناکامل، غبار فقر را از چهره این شهرها زدود.

منابع

- ۱- ارضروم چیلر، ن، (۱۳۸۴)، ابعاد مختلف فقر در ایران، تحقیقات اقتصادی بانک مرکزی ایران، شماره ۲۷.
- ۲- افروغ، ع، (۱۳۷۷)، "فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی و پیامدهای آن"، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- ایران‌دوست، کیومرث؛ علیزاده، هوشمند؛ خسروانیان، لیلا و تولایی، روح‌اله، (۱۳۹۲)، گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهرهای ایران، مطالعه تطبیقی شهرهای سنندج و کرمانشاه، دوفصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۹۲-۱۰۴.
- ۴- آسایش، حسین، (۱۳۷۴)، اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور.
- ۵- آسایش، حسین، (۱۳۷۷)، جغرافیای فقر، سنجش رنج بشر در جهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره های ۴۸ و ۴۷.
- ۶- بانک جهانی، (۱۳۸۱)، گزارش توسعه جهانی مبارزه با فقر ۲۰۰۱-۲۰۰۰، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- ۷- بمانیان، محمدرضا، رضایی‌راد، هادی، منصور رضایی، مجید (۱۳۹۰)، ارزیابی خصیصه‌های اقتصادی در شناسایی گستره-های فقر شهری با استفاده از تکنیک‌های Delphi و AHP (مطالعه موردی: شهر کاشمر)، فصلنامه مدیریت شهری، ویژه نامه شماره بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۶-۱۵۳.
- ۸- پیران، پرویز، (۱۳۸۴)، فقر و جنبشهای اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸.
- ۹- پیرایی، خسرو و شهسوار، محمدرضا، (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره ۳، ۲۶۴-۲۳.
- ۱۰- جواهری، حسن، حاتمی‌نژاد، حسین، زیاری، کرامت‌اله، پوراحمد، احمد (۱۳۹۳)، رویکرد فازی و پهنه‌بندی فقر چند بعدی در فضاهای شهری (نمونه موردی: شهر کامیاران)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۹۳، صص ۳۰-۱۳.
- ۱۱- رحمتی، خسرو (۱۳۹۳)، تحلیل نابرابری‌های فضایی بر پایه‌ی شاخص‌های اجتماعی در شهرهای میانه اندام (نمونه موردی: شهر میاندوآب)، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز.
- ۱۲- رضایی، محمدرضا؛ علیان، مهدی و خاوریان، امیر رضا، (۱۳۹۳)، شناسایی و ارزیابی گستره های فضایی فقر شهری در شهر یزد، دوره ۴۶، شماره ۳، صص ۶۹۵-۶۷۷.
- ۱۳- روستایی، شهریور، احد نژاد روشتی، محسن، اصغری زمانی، اکبر، زنگنه، علیرضا (۱۳۹۱)، توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۹۱-۷۱.
- ۱۴- روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر و زنگنه، علیرضا، (۱۳۹۱)، الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۴۰-۱۷.
- ۱۵- روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر؛ زنگنه، علیرضا و سعیدی، شهرام، (۱۳۹۴)، ارزیابی فقر شهری در محلات اسکان غیر رسمی شهر کرمانشاه با استفاده از مدل تحلیل عاملی (نمونه موردی: محله دولت آباد و شاطرآباد سال ۱۳۸۵)، نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۳، صص ۱۶۶-۱۳۷.
- ۱۶- رئیس دانا، فریبرز، (۱۳۷۹)، نقد روش در پدیده شناسی فقر، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

۱۷- زیاری، کرامت اله، (۱۳۷۷)، مدل‌های تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابریهای منطقه ای در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸.

۱۸- زیاری، کرامت اله، (۱۳۸۳)، مکتبها، نظریه ها، مدل‌های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد.

۱۹- سرور، رحیم (۱۳۸۳)، استفاده از روش ای.اچ.پی در مکان یابی جغرافیایی مطالعه موردی: مکان یابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۱، صص ۱۹-۳۸.

۲۰- شکویی، حسین، (۱۳۸۶)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا (فلسفه محیطی و مکتب های جغرافیایی)، جلد ۲، تهران، انتشارات گیتاشناسی.

۲۱- شیخی، عبدالله (۱۳۹۳)، استراتژی‌های توسعه شهر پیرانشهر با رویکرد CDS، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

۲۲- عابدین درکوش، سعید، (۱۳۸۶)، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

۲۳- عزیزی، منصور؛ موحد، علی؛ ساسانپور، فرزانه و کرده، نعمت، (۱۳۹)، تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)، نشریه سپهر، دوره بیست و سوم، شماره نودم، صص ۶۹-۶۰.

۲۴- علیزاده، ح، (۱۳۸۱)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، انتشارات روزنه.

۲۵- کارولین، توماس، (۱۳۸۲)، حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۶- لطفی، صدیقه، منوچهری میاندوآب، ایوب، آهار، حسن (۱۳۹۲)، شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله-ای (مورد مطالعه، محلات مراغه)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۰۹، صص ۹۲-۶۹.

۲۷- لطیفی، غلامرضا، سجاسی قیداری، مجید (۱۳۹۰)، رتبه بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از مدل TOPSIS، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، شماره ۷، صص ۱۶۶-۱۸۹.

۲۸- مجیدی خامنه، بتول، محمدی، علیرضا (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت فقر و سنجش فقر شهری، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷، صص ۱۴۵-۱۳۵.

۲۹- محمدزاده، پرویز؛ فلاحی، فیروز و حکمتی فرید، صمد، (۱۳۸۹)، بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲، صص ۶۴-۴۱.

۳۰- مدنی، س، (۱۳۷۹)، آسیبها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

۳۱- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

۳۲- موسوی، میرنجف، زیاری، کرامت اله (۱۳۸۸)، تحلیلی بر اندازه‌گیری و تبیین خط فقر و سیاست‌های فقر زدایی در استان یزد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، صص ۵-۲۰.

33-Amis, P. & Rakodi, C., 1995, Urban Poverty: Concepts, Characteristics and Policies. Habitat International, Vol. 19, No. 4, PP. 403-405.

34-Baker, Judy, (2009), 'Meeting the Challenge of Urban poverty and Slums', The World Bank.

35-Berner, E., 2000, Poverty Alleviation and the Eviction of the Poorest: towards Urban Land Reform in the Philippines, International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 24, No. 3, PP. 554-566.

36-Booth, C. (1969): Life and Labour of the People of London. New York: A. M. Kelley.

- 37-Chen, G., Chaolin, G., Fulong, W., 2006, Urban Poverty in the Transitional Economy: a Case of Nanjing, China, Habitat International, Vol. 1, No. 30, PP. 1-26.
- 38-Deutsch, J., & Silber, J. (2006): The "Fuzzy Set" Approach to Multidimensional Poverty Analysis: Using the Shapley Decomposition to Analyze the Determinants of Poverty Fuzzy set approach to multidimensional poverty measurement (pp. 155-74). New York: Springer.
- 39-Duclos, J. and Araar A. (2006), Poverty and Equity: Measurement, Policy and Estimation , Springer.
- 40-Job, (2002), Australian Agency for International Development" National, Archives of Australia.
- 41-Jordan, B. & Redley, M., 1994, Polarization, Underclass and the Welfare State, Work, Employment and Society, Vol. 8, No. 2, PP. 153-176.
- 42-Kakwanti, N., 2003, Issues in Setting Absolute Poverty Line, Poverty and Social Development Papers, Asian Development Bank.
- 43-Liu, Y., Wu, F., 2006, Urban Poverty Neighborhoods: Typology and Spatial Concentration under China's Market Transition, a Case Study of Nanjing, Geoforum, Vol. 37, No. 4, PP. 610-626.
- 44-Meier, Gerald M, D. (1968), The International Economics of Development, New York.
- 45-Miceli, D. (2006): Multidimensional and Fuzzy Poverty in Switzerland Fuzzy set approach to multidimensional poverty measurement (pp. 195-209). New York: Springer.
- 46-Odekon, Mehmet, (2010), " Encyclopedia of World Poverty" , Thousand oaks, New Yurok.
- 47-Orshansky, M.(1963), "Children of the Poor", Social Security Bulletin, Vol. 26: 3- 29.
- 48-Qadeer, M.A., (2004) "Urbanization by implosion". Guest Editorial/ Habit ate International 28, PP.1-12.
- 49-Ravallion, M. (1998), "Poverty Lines in Theory and Practice, Living Standards Measurement Study", World Bank, Working Paper, 133.
- 50-Sen, A. (1981), Poverty and Famines, An Essay on Entitlement and Deprivation. Clarendon Press; Oxford, U.K.
- 51-Simler, Kenneth. Harrower, Sarah. Massigarella, Claudio, (2003), "Estimating Poverty Indices Form Simple indicators Surveys" .
- 52-Townsend, P. (1985), "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", Oxford Economic Papers, Vol. 37.
- 53-UN-HABITAT (2003) The Challenge Of Slums, Global Report On Human Settlement, UN-HABITAT.
- 54-Watts, H. (1967), The Iso-Prop Index; An Approach to the Determination of Differential Poverty Income Thresholds. The Journal of Human Resources, 2, 15.
- 55-Zainal, N. R., Gurmit, K., Nor Aisah A. & Jamaliah M. Kh., 2012, Housing Conditions and Quality of Life of the Urban Poor in Malaysia, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol. 15, No. 50, PP. 827 – 838.
- 56-Zhoujijie, Lu (2003), Measuring urban poverty (case study Wuhan), ITC.